ZENDEGI-SALAM
روزنامه خراسان رضوی
سه شنبه • ۲۶ آبان ۱۴۰۵
۷ جمادی الثانی ۱۴۴۸
۱۷ نوامبر ۲۰۲۶
شماره ۶۲۲۴

قبل از موشک‌ها، انسان‌ها را ساخت

به مناسبت سالروز شهادت حسن طهرانی‌مقدم، عصری پاییزی را در خانه‌اش پای صحبت همرزمان و خانواده‌اش نشستیم تا مردی را بشناسیم که ثمره سال‌ها تلاشش یکی از ارکان قدرت امروز میهن‌مان است



صابر| صدای انفجار، پنجره کلاس دانشگاه را لرزاند. سال‌ها بعد، سردار رحیم صفوی از آن لحظه گفت که صدایی مهیب از زاغه مهماتی در ملارد تا محل دانشگاهی که او در آن حضور داشته، آمده و از این که حسن طهرانی‌مقدم چرا و چگونه بنده دوست داشتنی برای خدا بود و افتخاری برای ایران. آن روز یعنی ۲۱ آبان ۱۳۹۰، حسن طهرانی‌مقدم به شهادت رسید. حالا پانزده سال بعد، در عصری پاییزی در خانه‌ای نشسته‌ایم که عکس شهدا گوشه گوشه‌اش پیداست و آمده‌ایم درباره مردی بشنویم که نامش با صنعت موشکی گره خورده، اما زندگی‌اش در چند جمله خلاصه نمی‌شود؛ از ایمان و نماز اول وقت تا فکر علمی، مدیریت و خانواده‌دوستی همه ابعاد متنوع شخصیتی است که شناختش به‌ما خودباوری می‌دهد تا راهش را در زمینه‌های مختلف ادامه دهیم.

افق دید حاج حسن



روی دیوارهای خانه، قاب عکس‌ها ایستاده‌اند تا یادآور مردی باشند که گویی هیچ‌گاه در سکون نمی‌گنجید. در انتهای دیدار وقتی الهام حیدری، همسر شهید، از کتاب سه جلدی «مرد ابدی» می‌گوید که به قلم معصومه سپهری و با تلاش خانواده، دوستان و همرزمان طی ۱۲ سال نوشته شده، می‌فهمم که نباید این شهید را در چند جمله و صفت خلاصه کرد و نگارش روایتی از این دیدار چه دشوار است. ایشان خواندن این کتاب را توصیه می‌کند. ذهنم پرتاب می‌شود به محله قدیمی سرچشمه که در آن پسری به دنیا آمد که اراده بزرگی داشت. بعدها با پیوستن به سپاه، نبوغش را در خاکریزها اثبات کرد. او کسی نبود که متوقف شود. گام‌های بلندش را با راه‌اندازی توپخانه سپاه در دل جنگ آغاز کرد؛ اما افق دید حسن، فراتر از خمپاره و توپخانه بود. او با دست‌های خالی اما اراده‌ای فولادین، یگان موشکی را از هیچ ساخت و کشور را به سطحی از توانمندی رساند که روزگاری تنها یک رویا به نظر می‌رسید. او میان آهن و آتش، به دنبال اقتدار این سرزمین بود. در گوشه‌ای از همین مجلس پاییزی، دوست و همرزم قدیمی‌اش که سال‌ها کنارش قدم برداشته، می‌گوید: «رفتارش انسان‌ساز بود.» همین جمله کوتاه، پل عبور ماست؛ از مرور «آنچه او ساخت» به فهم «چگونه زیستن» مردی که پیش از موشک‌ها، آدم‌ها را ساخته بود.

تحقق رویاهای طهرانی‌مقدم

سردار صفوی از دشوارهای روزهای آغازین جنگ می‌گوید؛ از این که یکی از دولت‌ها حاضر به دادن موشک به ما نشد و فقط گفت آموزش می‌دهیم؛ اوایل دهه شصت بود که حسن طهرانی‌مقدم دوره‌ای چند ساله را طی چند ماه در سوریه گذراند، بعد هم مهندسی معکوس یکی دیگر از موشک‌هایی که از کشور دیگری گرفته بودیم آغاز شد. مروری بر سوابقش دارم که در منابع مختلف نوشته‌اند با پایان جنگ، وارد حوزه تحقیقات و توسعه فعالیت‌های موشکی در سپاه پاسداران شد و مسئولیت ریاست سازمان جهاد خودکفایی سپاه را بر عهده گرفت. در دوران پس از پایان جنگ ایران و عراق، طهرانی‌مقدم وظیفه مدیریت بر پروژه ساخت موشک را بر عهده داشت. فضائلی از دفتر نشر آثار رهبر شهید، از این می‌گوید که جوانان و جامعه باید داستان زندگی طهرانی‌مقدم را بدانند و جز این هم نیست؛ مردی که از هیچ شروع کرد و اتفاقی بزرگ را رقم زد. فضائلی از این می‌گوید که حسن طهرانی‌مقدم علم و ایمان را در کنار هم قرار داد؛ آن‌چه مدت‌ها همه فکر می‌کردند قابل جمع نیست. خوب که به حرف‌های مهمانان مراسم فکر می‌کنم کاملاً ملموس وزن تک‌تک‌شان را در معادلات امروز منطقه حس می‌کنم. آن بازوی قدرتمندی که حسن طهرانی‌مقدم وعده‌اش را داده بود، همان واقعیتی است که امروز دنیا درباره ایران می‌داند. وقتی به پاسخ‌های دقیق و کوبنده‌ای که در «جنگ ۱۲ روزه» و سپس «جنگ ۴۰ روزه» به متجاوزان داده شد فکر می‌کنم با آن که ۱۵ سال از شهادت طهرانی‌مقدم گذشته، امارد پای نبوغ و دوراندیشی‌اش را به وضوح می‌بینیم. او صنعت موشکی را نه برای جنگ، که برای امنیت کشور بنیان گذاشت؛ میراثی که با تلاش نسل‌های بعدی شکوفاتر شد تا امروز حتی در دورترین نقاط، اثرش حس شود و رویای بزرگی که داشت هم نزدیک است یعنی افزایش بُرد موشک‌ها فراتر از منطقه. بیراه نبود که به قول یکی از حاضران در جلسه، سیدحسن نصرا... هم سال‌ها قبل آرامش زنان جنوب لبنان را مرهون زحمات طهرانی‌مقدم می‌دانست.





خودباوری برای ایران

همسر شهید در انتهای جلسه از این می‌گوید که منزل‌شان پایگاه اتفاق‌های خیر است و در تداوم راه شوهرش، آن‌جا چه اتفاقات فرهنگی باارزش رقم خورده است. خورشید پاییزی کم‌کم از پشت پنجره‌های خانه شهید پایین می‌رود و جلسه به دقایق پایانی‌اش می‌رسد. در انتهای این دیدار صمیمانه، سه جلد کتاب «مرد ابدی» از سوی همسر شهید به یکی از حاضران هدیه می‌شود و قرار شکل می‌گیرد که کتاب‌ها خوانده شوند و در گردش باشند تا افراد بیشتری با شهید، فراتر از قبل آشنا شوند. به این فکر می‌کنم که حیف است سهم ما از مردی که برای امنیت و بازدارندگی این خاک از جانش گذشت، فقط در چند تیتر خبری و توصیفات کلیشه‌ای خلاصه شود. حسن طهرانی‌مقدم را باید فراتر از القاب، از لای کلمات کسانی شناخت که با او زیسته‌اند. ایمان و تخصص او را به چشم دیده‌اند. مردی که به تعبیر سردار صفوی هم‌سالک بود، هم روحیه‌ای به لطافت گل داشت و خانواده دوست بود، اما در برابر دشمن قوی. وقتی کلمات را به پایان می‌رسانم به این فکر می‌کنم که اگر بخواهم یک درس مهم را از او یاد کنم خودباوری است؛ عشق به کشور و باور به این که در عرصه‌های مختلف باید بتوانیم کارهای بزرگی را رقم بزنیم.



روایتی از سال‌ها رفاقت



طهرانی‌مقدم و آن‌چه محقق کرد بسیار کنجکاوبرانگیز است؛ مردی که توانست در عرصه موشکی که صنعتی بینارشته‌ای و دشوار است، گام‌های بلندی بردارد، دانشمندان زیادی را مدیریت کند و کشورمان را در این زمینه به قدرتی بزرگ تبدیل کند. اما راز تحقق این مسیر دشوار چه بود؟ سردار رحیم صفوی در توصیف حسن طهرانی‌مقدم، سه واژه را کنار هم می‌گذارد: «فکر، ذکر و عمل». می‌گوید او اهل فکر علمی بود؛ خلاقیت داشت، دوراندیش بود و توسعه را دنبال می‌کرد. صفوی مسیر کاری او را هم پله‌پله روایت می‌کند: از خمپاره به توپخانه و از توپخانه به موشک و رویاهای بزرگی که محقق شد.

این مسیر، به گفته سردار صفوی، با تکیه بر دانش و مدیریت پیش می‌رفت؛ صنعتی که کار در آن به دانش‌های گوناگون و همراهی متخصصان نیاز داشت. اما روایت صفوی به کار و میدان محدود نمی‌ماند. او از طهرانی‌مقدم به‌عنوان مردی ورزشکار و کوهنورد یاد می‌کند؛ اهل فوتبال، خوش‌خط، اهل کار خیر، دارای قلبی لطیف و خانواده‌دوست. صفوی می‌گوید او به فرزندانش عشق می‌ورزید. کنار هم گذاشتن این خصلت‌ها، تصویر مردی را می‌سازد که فکرش در کار و پیشرفت بود، ذکرش در بندگی و اخلاص، و عملش در ساختن و پیش‌بردن.